

فاجعه قرن بیست و یکم!

یا تلاطم دوم حمل....



سخت است و دشوار اینکه جوامع بشری از تکنولوژی، هوش مصنوعی و فضانوردان زن، حرف زنند و افغانستان یگانه کشوریست در قرن بیست و یکم که از محروم نگهداشتن دختران از حق تعلیم و تحصیل در گمراهه قرار دارد. کشوری که در گذشته های نچندان دور دختران و زنان اش همچو نازو آنا، ملالی، رابعه بلخی، جنرال سهیلا، و دختران تیم رباط ساز، افتخارات و کارنامه های درخشان از خود بجا گذاشته که نام های پرافتخار آنها با خطوط زرین درج تاریخ کشور می باشد.

بدبختانه با آغاز سال جدید ۱۴۰۳ و دوم حمل که مصادف است با نخستین روز آغاز مکاتب و پوهنتون ها، شاهد این هستیم که دختران افغان که نصف از پیکر جامعه را تشکیل میدهند برای سومین سال از کسب آموزش و دانش محروم نگهداشته شده که میتوان به آن تلاطم دوم حمل خطاب کرد. اینکه چرا دختران کشور از ابتدایی ترین حقوق خویش که همانا کسب آموزش و دانش است محروم و مانع شده است موضوع است بسیار روشن.

در سال ۱۹۱۹ میلادی زمانی که شاه جوان و مترقی خواه غازی شاه امان الله خان استرداد استقلال کشور را از امپراطوری انگلیس ها اعلان کرد و برای رفاه و آسایش کشور آرزوهای طلابی در سر می پروراند، اولین تیم از دختران را برای کسب آموزش های تخصصی بخارج از کشور فرستاد تا با کسب مهارت های تحصی در آبادانی کشور دوشادوش جوانان قرار گیرند. اما انگلیس ها که سیطره امپراطوری شان در آن زمان از شرق تا غرب پهناور بود، این جسارت شاه جوان را به هیچ وجه نمی توانست تحمل کند، از همین رو در صدد انتقام برآمدند و علیه شاه امان الله خان غازی به دسیسه پرداختند.

انگلیس ها که از منطقه، رسوم و عنعنات و طرز دید مردم بخوبی آگاهی داشتند، توانستند در مدت زمان کم با استفاده از پس منظر مذهب و دین عناصر فروخته شده و قماش همچو بچه سقاو استفاده و آنها را علیه شاه به تحرکات تشویق، حمایت و تغذیه نمودند.

انگلیس ها درین بازی شوم و خصمانه خود موفق گردیدند تا سلطنت شاه را توسط بچه سقاو که در دزدی و راهزنی شهرت داشت عوض و وی را به اریکه قدرت برساند .

دوره سقاوی بمثابه دوره سیاه در تاریخ کشور ثبت گردیده است، طوریکه درین دوره نیز معارف کشور نخستین قربانی دسیسه انگلیس ها بود که بواسطه بچه سقاو آنرا عملی ساخت. دوره ای سقاوی تمامی دختران را از رفتن به مکاتب محروم و پرده ای سیاهی را بر روشنائی ملت پوشانید .

انگلیس ها با ایجاد کشور بنام پاکستان در سال ۱۹۴۷ در همسایگی با افغانستان کماکان کینه توزی خود را که با افغانستان بعد از اعلان استقلال توسط غازی شاه امان الله خان به ارث می برد به پاکستان کشور زاده خود به میراث گذاشت، طوریکه پاکستان بعد از ایجاد تا امروزه کینه توزی به ارث برده ای را که از انگلیس ها در مقابل افغانها و افغانستان دارند قدم به قدم عملی می نماید.

اگر به گذشته نچندان دور نگریست، بازی را که غرب و امریکا در مقابل شوری آنزمان آغاز نموده بودند و خواستند آن را تحت نام جهاد در خاک افغانستان عملی سازد، درین مقطع زمانی پاکستان توانست با تمام قوت و هوش اهداف شوم اش را در قبال افغانستان عقب این بازی برآورده سازد. یکی از پروژه ها پاکستان در کنار ده ها اهداف خصمانه اش به آتش کشیدن مکاتب، بقتل رسانیدن معلمین و تیزاب باشی بر روی دختران مکاتب بواسطه گروپ های مجاهدین همانا پرورش یافته های ای اس آی پاکستان بود که عملی نمودند و این کینه توزی پاکستان بمقابل مردم افغانستان کماکان ادامه دارد.

وقتی به نظریه چرچل یکی از نظامیان و جنرالان انگلیس توجه شود، نامبرده براین عقیده بود که شکست دشمن در سرکوب نمودن آنها در میدان نبرد نه، بلکه با محروم نگهداشتن طبقه اناث آن کشور است که بااین روش میتوان چندین نسل بعدی آن جامعه را بیسواد و محتاج بدیگران ساخت. بدبختانه که ای اس آی پاکستان با افکار پدران معنوی خویش همچو چرچل کماکان میخواهند این پرده سیاهی را همواره بر فراز آسمان نیلگون افغانستان پهناور داشته باشد.

برای نسل جوان بکار است تا از بازی های شوم دشمنان قسم خورده ای افغانستان و معرفت بخوبی آگاهی داشته و نگذارند تا آنها به آرمان های شوم خود باری دیگر نائل گردند. بلکه بیاد خطابه غازی شاه امان الله خان که به ملت داشت "تفنگ ها را بر زمین گذاشته و قلم بدست گیرید، زیرا یک ملت بیسواد هرگز مستقل بوده نمی تواند"، یکبار دیگر آرمان دشمنان را نابود و روح این بزرگ مرد تاریخ کشور را شاد سازید.
